

# **Good economic governance in the period of sanctions in the view of the Ayatollah Khamenei**

**Yosef noroozi**

Master of family management.

Email: atrinadd@gmail.com

## **Abstract**

Economic governance is one of the most important pillars of governance at the national level. Western countries have been criticized by some Western and Eastern elites for adopting economic governance based on the capitalist system. Extreme individualism, consumerism and economic growth at the cost of losing human values and destruction of spirituality are among the consequences of Western economic governance. The Supreme Leader of the Islamic Revolution has pointed out some characteristics of economic governance while criticizing the Western governance. In the current research, the author seeks to examine the view of the Supreme Leader of the Islamic Revolution in relation to the concept and discussion of economic governance. The question of the present research is, what is the view of the leader of the Islamic Revolution in relation to economic governance during the period of sanctions, and what analytical components does it consist of? In response to the above question, the writer puts forward the following hypothesis that according to the statements of His Holiness, in the view of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, economic governance in the period of sanctions is based on a resistance economy and consists of components such as wealth production, popular participation and livelihood support. The research method in this article is descriptive-explanatory and the method of collecting documentary materials.

**Keywords:** economic governance, Ayatollah Khamenei , economic structures, criticism of capitalism, sanctions.

# حکمرانی مطلوب اقتصادی در دوره تحریم‌ها در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

یوسف نوروزی

کارشناسی ارشد مدیریت خانواده

Email: atrinadd@gmail.com

## چکیده

حکمرانی اقتصادی یکی از مهم‌ترین ارکان حکمرانی در سطوح ملی است. کشورهای غربی با اتخاذ حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظام سرمایه‌داری مورد انتقاد برخی نخبگان غربی و شرقی قرار گرفتند. فردگرایی شدید، مصرف‌گرایی و رشد اقتصادی به قیمت از دست‌دادن ارزش‌های انسانی و نابودی معنویت از جمله تبعات حکمرانی اقتصادی غربی شمرده شده است. آیت‌الله خامنه‌ای با مطرح کردن حکمرانی اسلامی، ضمن انتقاد از حکمرانی غربی به برخی ویژگی‌های حکمرانی اقتصادی اشاره کرده‌اند. در پژوهش حاضر نگارنده به دنبال بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با مفهوم و بحث حکمرانی اقتصادی است. سؤال پژوهش حاضر این است که دیدگاه ایشان در ارتباط با حکمرانی اقتصادی در دوره تحریم‌ها چیست و از چه مؤلفه‌های تحلیلی تشکیل شده است؟ در پاسخ به سؤال فوق نگارنده فرضیه ذیل را مطرح می‌کند که با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، حکمرانی اقتصادی در دوره تحریم‌ها بر مبنای اقتصاد مقاومتی و متشکل از مؤلفه‌هایی همچون تولید ثروت، مشارکت مردمی و حمایت از معیشت طبقات محروم در کنار مقابله با تحریم‌ها است. روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی-تبیینی و روش گردآوری مطالب نیز اسنادی/کتابخانه‌ای است.

**واژگان کلیدی:** حکمرانی اقتصادی، آیت‌الله خامنه‌ای، ساختارهای اقتصادی، نقد سرمایه‌داری، تحریم‌ها.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۳۳-۱۵۶



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: [10.22034/rir.2024.201617](https://doi.org/10.22034/rir.2024.201617)

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## مقدمه

حکمرانی اقتصادی یکی از الزامات مدیریت اقتصادی در سطوح کلان ملی و خرد محلی است. حکمرانی اقتصادی در سطح ملی و خرد استانی در پیوند با یکدیگر تشکیل‌دهنده ستون‌های قدرت و ثبات اقتصادی کشورها هستند. از این رو پیوند سطح خرد حکمرانی اقتصادی و کلان ملی امری مشهود و مورد پذیرش نخبگان نظری و اجرایی است. حکمرانی اقتصادی به دلیل اهمیت مؤلفه اقتصاد در اعتبار و توانمندی‌های ملی و قرار گرفتن اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی از اهمیت راهبردی بسیاری برخوردار است. دولت‌ها همواره با استخراج و مدیریت سطوح ایالتی و استانی اقتصاد خود به دنبال تقویت ثبات و توسعه اقتصادی هستند. در اقتصاد سرمایه‌داری بازیگران دولتی و غیردولتی بخش اصلی فضای کنش‌ورزی و میدان تحولات را تشکیل داده‌اند. همکاری دولت‌ها با بخش خصوصی و میدان دادن به بنگاه‌های مردمی به‌عنوان شالوده اصلی حکمرانی اقتصادی در چند دهه اخیر به‌شدت با استقبال کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مواجه شده است. اقتصاد به‌عنوان اساس توسعه ملی و تقویت قدرت ملی به‌عنوان محور فعالیت سیاست‌گذاری داخلی و خارجی محسوب شده است. حکمرانی اقتصادی در قالب سیاست‌گذاری داخلی جهت تقویت توانمندی‌های اقتصادی و نظم‌دادن به مناسبات تولیدی و تجاری پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای تبدیل وعده‌های انقلابیون به واقعیت‌های عینی در دولت‌های مختلف پیگیری شد. در کنار سیاست خارجی انقلابی و متعهدانه، نخبگان سیاسی به دنبال سامان دادن به وضعیت اقتصادی داخلی و حکمرانی کارآمد اقتصادی بودند.

پس از پایان جنگ هشت‌ساله تحمیلی و تأکید آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر پیشرفت مادی و اقتصادی کشور و جبران خرابی‌های گذشته مفهوم رشد اقتصادی و در دهه‌های بعد حکمرانی اقتصادی به شکل جدی دنبال شد. در پژوهش حاضر نگارنده به دنبال بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با مفهوم و بحث حکمرانی اقتصادی است. سؤال پژوهش حاضر این است که دیدگاه ایشان در ارتباط با حکمرانی اقتصادی در دوره تحریم‌ها چیست و از چه مؤلفه‌های تحلیلی تشکیل شده است؟ در پاسخ به سؤال فوق نگارنده فرضیه ذیل را مطرح می‌کند که با توجه به بیانات

آیت‌الله خامنه‌ای حکمرانی اقتصادی در دوره تحریم‌ها بر مبنای اقتصاد مقاومتی و متشکل از مؤلفه‌هایی همچون تولید، مشارکت مردمی و حمایت از معیشت طبقات محروم در کنار مقابله با تحریم‌ها است. همچنین روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی-تبیینی و روش گردآوری مطالب نیز اسنادی/کتابخانه‌ای است.

### ۱. پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات حکمرانی اقتصادی، آثار مختلفی توسط محققان حوزه‌های سیاست‌گذاری، علوم سیاسی و اقتصاد به چاپ رسیده است.

مهدی مقدری (۱۴۰۰) در کتابی با عنوان «حکمرانی خوب و توسعه» دیدگاه و یافته‌های دانیل کافمن درباره حکمرانی را با استفاده از رویکرد محققان غربی بررسی نموده و تلاش می‌کند به مطالعه الگوهای حکمرانی خوب بپردازد و شاخص‌های حکمرانی اقتصادی خوب را دسته‌بندی کند.

در کتاب «عملی کردن تمرکززدایی؛ راهنمایی برای سیاست‌گذاران» به قلم آلن دوروتی و دیگران (۱۴۰۰) با ترجمه علی علاء‌الدینی، روش‌های تمرکززدایی اقتصادی در سطوح مختلف حکمرانی مورد بحث قرار گرفته است. مقاله حاضر با طرح بحث حکمرانی اقتصادی استانی با استفاده از رویکرد اقتصاد مقاومتی ضمن ارائه نگاهی جدید به حکمرانی اقتصادی استانی به گسترش ادبیات این حوزه مطالعاتی کمک خواهد کرد. بهره‌گیری از آثار متفکران غربی و مطالعه اسناد بالادستی از دیگر وجوه تمایزی است که پژوهش حاضر از آن برخوردار است.

جوادی ارجمند (۱۳۹۸) با رویکردی تاریخی در مقاله «حکمرانی و توسعه اقتصادی در ایران» به پیوند حکمرانی خوب و بهبود شاخص‌های اقتصادی و نوسان‌های مرتبط با آن در دوره‌های مختلف حیات تاریخی در ایران پرداخته است. نوربخش و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی<sup>(ع)</sup> آموزه‌هایی نظیر عدالت، حقوق گروهی، مبارزه با ظلم و فساد و حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را از جمله مصادیق حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ع)</sup> می‌داند.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «ضرورت تغییر در سبک زندگی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و پیاده‌سازی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی» سبک زندگی اسلامی ایرانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را عاملی برای تحقق اقتصاد مقاومتی معرفی می‌کنند که در نهایت می‌تواند باعث شکل‌گیری مدیریت جهادی و تحقق جامعه مطلوب اسلامی گردد.

صمد رنجبر اردکانی (۱۳۹۶)، در مقاله «موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران» دلیل اعلام سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی رهبری را مصون‌سازی کشور از تهدیدها و تحریم‌های دشمن و اعتلای نظام اسلامی می‌داند. مرشدی زاد (۱۳۹۶)، در مقاله «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی» بدین نتیجه می‌رسد که اگر قرار است تمدن نوین اسلامی در آینده رخ دهد، ضرورت پرداختن به حکمرانی مطلوب و توجه به عناصر اصلی آن یعنی مشارکت، اجماع، حاکمیت قانون، عدالت و انصاف، شفافیت کارایی و اثربخشی امری لازم است.

علویان و زارع پور (۱۳۹۶)، نیز در مقاله «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی» امکان طرح نظریه بومی بر مبنای ولایت‌فقیه در اندیشه جوادی آملی را امکان‌پذیر می‌دانند که با ابتنا بر مشورت امر به معروف و نهی از منکر و عدالت شکل می‌گیرد.

عیوضی (۱۳۹۶) در مقاله «از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار» به تبیین پیوند حکمرانی اقتصادی و کارآمدی اقتصادی پرداخته است. وی در پایان به این جمع‌بندی رسیده است که حکمرانی خوب به منابع انسانی و مغزافزار توجه ویژه‌ای دارد.

الهه ابوالحسنی (۱۳۹۱) در مقاله «حکمرانی مردم‌سالارانه» بحث حکمرانی مردم‌سالارانه را ذیل چتر مفهومی دموکراسی و تأثیران را بر کارآمدی سیاسی و اقتصادی بررسی کرده است.

## ۲. چهارچوب نظری

### ۱-۲. مفهوم پژوهی حکمرانی اقتصادی

«حکمرانی»<sup>۱</sup> مفهومی وسیع‌تر از «حکومت»<sup>۲</sup> دارد. تعاریف متعددی از حکمرانی ارائه شده است که برخی از آنان در ارتباط با مفاهیم اقتصاد و حتی اقتصاد سیاسی مطرح می‌شوند. با این حال در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت؛ حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی، اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به‌طور مصطلح بخش حکومتی نام داد. اما حکمرانی شامل بخش حکومتی همراه با دو بخش مجزای دیگر یعنی بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی نیز می‌شود. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش «حکومتی»، «بازرگانی» و «جامعه مدنی»، مسئولین کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه خوب» بیشتر تحقق یابد. (امامزاده فرد، ۱۳۹۰: ۳۵) از این منظر نظام حکمرانی جامعه در تمدن اسلامی متضمن اتخاذ تصمیمات و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است.

مفهوم حکمرانی اقتصادی در رویکردهای مختلف توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای با محوریت تنظیم‌گرایی از تعاریف مختلف برخوردار بوده است. بانک جهانی (۱۹۹۲)، اتحادیه اروپا (۲۰۰۲) و برنامه جامع کاهش فقر و استراتژی رشد در ویتنام (۲۰۰۲) بر جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی حکمرانی از قبیل تخصیص کارآمد منابع، رفع فقر، رشد اقتصادی، ایجاد اداره امور دولتی کارا و اثربخشی و ریشه‌کنی فساد تأکید کرده‌اند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۷).

آسم اوغلو پژوهشگر حوزه مدیریت مسائل اقتصادی معتقد است که در مباحث رشد و توسعه واژه حکمرانی بیانگر مجموعه‌ای از نهادها است. به اعتقاد وی حکمرانی، نهادهای سیاسی جامعه، ظرفیت دولت و تنظیم نهادهای اقتصادی را شامل می‌شود. (Acemoglu, 2008: 14).

مایکل والزر از متفکرانی است که مبحث حکمرانی مطلوب را در چهارچوب اخلاق و عدالت توزیعی مطرح می‌کند. عدالت توزیعی در هر جامعه‌ای متفاوت است و

1. Governance  
2. Government

براساس ارزش‌های مورد نظر همان جامعه شکل می‌گیرد بنابراین اخلاق حداکثری که ریشه در برداشت‌های مختلف جوامع گوناگون دارد باعث شکل‌گیری عدالت توزیعی می‌شود (والزر، ۱۳۸۹: ۴۳).

حکمرانی مطلوب در اندیشه والزر مبنایی اخلاقی دارد. بنابراین نکته کلیدی در باب عدالت اجتماعی، وجود اصل بی‌بدیل توزیع یا حتی مجموعه منحصر به فرد از اصول نیست، بلکه وجود گفتگوی تأویلی و پیچیده اجتماعی است که بر اساس آن، خیرها و مطلوب‌های هر حوزه اجتماعی نسبتاً مستقل به گونه‌ای توزیعی می‌شود که در آن هیچ اصل توزیعی در یک حوزه بر شیوه توزیع حوزه دیگر تسلط ندارد (کینگ ول، ۲۲۴: ۱۳۸۶).

رابرت نوزیک یکی از متفکرانی است که حکمرانی مطلوب خود را بر پایه اقتصادی بنا می‌نهد. از این جهت که با محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و بهبود فضای اقتصادی به دنبال دستیابی به حکمرانی مطلوب است وی با دفاع از اقتصاد خصوصی و رسیدن به جامعه مطلوب می‌گوید: دولت بالذات باید حقوق افراد را پایمال کند و بنابراین ذاتاً غیر اخلاقی است (nozick, 1974:149). بنابراین حکمرانی مطلوب همان دولت حداقل و آرمانی نوزیک است. به تعبیر نوزیک، آرمان شهری است که همه افراد و گروه‌های ساکن در آن بدون دخالت دولت دست به گزینش می‌زنند و راه خود را برای ساختن اهداف و آرمان‌های فردی هموار می‌سازند. وی می‌گوید: دولت حداقل می‌تواند فراهم‌کننده گسترده‌ترین و بیشترین برابری‌ها باشد، باین حال دولت گسترده حقوق افراد را نقض می‌کند (nozick, 1974: 139).

حکمرانی توسعه از اوایل دهه ۹۰ میلادی در برنامه‌های توسعه و نهادهای بین‌المللی توسعه پارادایم حکمرانی و تأثیر حکمرانی بر توسعه مورد توجه قرار گرفت. این توجه معلول شکست برنامه‌های قبلی توسعه است. این موضوع در حوزه سیاست‌گذاری پرداخته شده که دلیل شکست برنامه‌های توسعه در مناطق مختلف دنیا بی‌توجهی به حکمرانی است (بانک جهانی، ۲۰۰۸).

حکمرانی به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین و نهادها که حاکمان در چهارچوب آن‌ها عمل می‌کنند یا به‌عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت کلیه

مناسبات کشور در کلیه سطوح تعریف شده است (ایباد و همکاران، ۲۰۱۶). این تصدی‌گری شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع حقوق قانونی خود را مطالبه کرده، با تعهدات و در مورد تفاوت‌ها یا اختلافات با یکدیگر مواجه می‌شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۶). بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل حکمرانی می‌تواند متمرکز بر گستره وسیعی از دولت‌ها گرفته تا سازمان‌های رسمی و غیر رسمی و قومیت‌ها و خانواده‌ها باشد و از طریق گستره وسیعی از قوانین، هنجارها یا قدرت پیاده شود (خدامرادی و حسین‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۲).

## ۲-۲. تحریم‌های اقتصادی و حکمرانی اقتصادی

در دوره تحریم‌های یک‌جانبه غرب علیه انقلاب اسلامی بحث حکمرانی اقتصادی جهت مقابله با تحریم‌ها و کم‌اثر ساختن آن‌ها به شکل جدی‌تری مطرح شده است. حدود ۷۵ درصد مناطق کشور از نظر شاخص‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی محرومیت بیشتر از متوسط دارند و ۶۸ درصد از مناطق کشور پتانسیل محیطی کمتر از متوسط و حدود ۵۷ درصد مناطق کشور محرومیت اقتصادی بیشتر از متوسط را دارند. پیوند نظری تحریم‌ها که به دلیل ساختار ظالمانه نظام سرمایه‌داری و نظام سلطه ایجاد می‌شود و بحث مدیریت مسائل اقتصادی در مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مکاتب اقتصادی وابستگی مطرح شده است.

در سطح کلان‌تر، نظریه‌پردازان «مکتب اکلا» بر این باور بودند که سیاست جایگزینی واردات، کنترل محلی دولت بر روی نظام اقتصادی را افزایش می‌دهد و همین مسئله باعث تضعیف قدرت طبقات سنتی می‌شود و در نهایت باعث تأسیس یک نظام اقتصادی بومی و ظهور دولت مدرن می‌گردد استدلال طرفداران نظریه وابستگی این بود که بر اساس چشم‌انداز سرمایه‌داری، کشورهای مرکزی از تجارت سود می‌برند و کشورهای در حال توسعه رنج می‌برند (هنته، ۱۳۸۱: ۱۲۵). علاوه بر این اقتصاد کشورهای پیرامونی و جهان سوم منبعی برای فزونی قدرت کشورهای قدرتمند محسوب می‌شود که از این جهت نیازمند بازنگری و توجه به اقتصاد بومی است طرفداران این نظریه بر این باور هستند که اقتصاد بومی و درون‌زا می‌تواند بر مشکلات نابرابری اقتصادی با کشورهای قدرتمند غلبه نماید و راه را برای گسترش مسیر اقتصاد بومی فراهم نماید.

بدیهی است در این رویکرد نیز بر توانایی‌های داخلی و بومی جهت مقابله با گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و طرح یک نظریه تأکید شده است. بومی علاوه بر نظریه وابستگی طرفداران نظریه مکتب نظام جهانی نیز وضعیت اقتصادی کشورها را برحسب رابطه مرکز پیرامون شرح می‌دهند. در این رویکرد علت توسعه‌نیافتگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه این است که آنان در نقش کشورهای پیرامونی تنها امکانی برای گسترش و فربه‌تر شدن اقتصاد کشورهای مرکز فراهم می‌کنند بنابراین فرایند توسعه‌نیافتگی با یکی و ممزوج شدن با یک منطقه خارجی خاص در نظام جهانی، یعنی در حاشیه قرار گرفتن آغاز می‌گردد (هتته، ۱۳۸۱: ۱۷۵). پیشنهاد نظریه جهانی آن است که برای رهایی از این وضعیت شکستن زنجیرهای وابستگی و همچنین متحدبودن کشورهای جهان سوم و در حال توسعه برای رهایی از استثمار امری ضروری است.

با توجه به آنچه مطرح شد؛ ایده اقتصاد بومی و درون‌زا و تکیه بر توانایی‌های داخلی در کنار مقابله با اقتصاد جهانی و کاپیتالیستی پیش‌تر نیز مطرح بوده و حتی می‌توان نظریات دیگری را نیز مطرح کرد که با انتقاد از وابستگی اقتصادی خواهان رشد و توسعه اقتصاد بومی به‌عنوان مدلی برای مدیریت امور اقتصادی کشورهای مختلف هستند؛ یکی از این نظریات که به‌طور مشخص درباره شرایط خاص جامعه ایرانی طراحی شده است ایده «اقتصاد مقاومتی» متعلق به آیت‌الله خامنه‌ای است. از این جهت، نظریه اقتصاد مقاومتی دارای همانندی‌هایی با نظریات مطرح شده در بالا می‌باشد اما از جهتی دیگر که متکی بر باورها و آموزه‌های دینی است نظریه بدیعی محسوب می‌شود. اقتصاد مقاومتی به‌طور مشخص ریشه در آموزه‌ها و احکام دین اسلام دارد که با توجه به شرایط خاص جامعه ایران و همچنین وضعیت اقتصاد بین‌الملل و منطقه طراحی شده است. نظام اقتصادی مطلوب اسلامی با فرض تحقق احکام فقهی در جامعه فرضی مطلوب تبیین می‌شود و در ترسیم نظام اقتصادی مطلوب مطابق با شرایط زمان و مکان تصمیماتی اتخاذ می‌شود.

### ۳. حکمرانی اقتصادی و انقلاب اسلامی

در حکومت اسلامی، نخ تسبیح همه تصمیمات و سازوکارها حاکمیت اراده و سنن اوامر و دستورات الهی است (مقصودی، ۱۳۹۶: ۷۶). لذا، تأکید حکمرانی اسلامی بر

اجرای دقیق آموزه‌های الهی در تمامی ابعاد جامعه بوده که در آن حاکمان اسلامی در راستای حاکمیت خدا و رسول خدا (ص) گام برمی‌دارند. مطابق آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا اللهَ وأطیعوا الرسولَ و أولی الأمرِ منکم...» (حج: ۱۸)، حکمرانی اسلامی چیزی جز عمل به شیوه آموزه‌های الهی یعنی آنچه خدا رسول گرامی خدا، ائمه<sup>(ع)</sup> و جانشینان وی بیان می‌کنند، نیست. این همان چیزی است که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به وضوح قابل مشاهده است.

حکمرانی مطلوب اسلامی ارتباط گسترده سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد. مسئله اقتصاد از جمله مسائل مهمی است که قواعد کلی و حتی جزئی برای پیاده‌کردن حکمرانی مطلوب اسلامی را فراهم می‌کند. از این جهت حتی می‌توان از مذهب اقتصادی اسلام و نظام اقتصادی اسلام به‌عنوان زمینه‌های لازم برای دستیابی به حکمرانی مطلوب اسلامی نام برد. مذهب اقتصادی اسلام عبارت است از قواعد کلی و ثابتی که از منابع، آیات، روایات و عقل استنباط می‌شوند و زیربنای فقه و اخلاق اسلامی بوده و برای تنظیم روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در جهت رفع دشواری‌ها و دستیابی به اهداف اقتصادی وضع شده‌اند (میرمعزی ۱۳۹۴: ۲۷). همچنین «نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای نظام‌مند از رفتارها و روابط اقتصادی مطلوب در جهت اهداف مورد نظر اسلام است. این مجموعه نظام‌مند که از منابع اسلام استنباط می‌شود بیانگر چگونگی پیوند شرکت‌کنندگان در این نظام، مردم و دولت به یکدیگر و به اموال و منابع اقتصادی در جهت هدف‌های مورد نظر اسلام هستند و مبتنی بر مبانی هستی‌شناسانه و در چهارچوب مذهب، فقه و اخلاق اقتصادی اسلام قرار دارند (میرمعزی، ۱۳۹۴: ۴۰).

آیت‌الله خامنه‌ای با رویکردی انقلابی و اسلامی با طرح مفهوم اقتصاد مقاومتی فضای فکری و اجرایی لازم جهت مقابله با حریم‌ها را در چهارچوب ظرفیت‌های داخلی فراهم ساختند. مفهوم اقتصاد مقاومتی اولین بار از سوی ایشان در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. ایشان با تکیه بر دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش»، «اقتصاد مقاومتی» را به معنا و مفهوم کارآفرینی معرفی نمودند. سپس ایشان در مرداد سال ۱۳۹۱ مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی

را بر اساس رونق تولید و اشتغال»، «رشد اقتصادی و رفاه»، «مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر»، «استفاده از تولیدات داخلی»، «مردمی کردن اقتصاد»، «کاهش وابستگی به نفت»، «فشار اقتصادی دشمن به کشور» و «تأکید بر اقتصاد دانش‌بنیان» تبیین کردند. در ماه بعد نیز اقتصاد مقاومتی را «داشتن اقتصادی رو به رشد با آسیب‌پذیری کمتر در مقابل ترفندهای دشمن» معنا و معرفی نموده همچنین مواردی همچون «حمایت از بخش خصوصی»، «حمایت از تولید ملی و بخش درون‌زای اقتصاد»، «رسیدگی به اقتصاد دانش‌بنیان»، «فعال کردن واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی»، «استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی» را به‌عنوان ارکان اقتصاد مقاومتی معرفی کردند.

آیت‌الله خامنه‌ای در آغاز سال ۱۳۹۲، هدف از مطرح کردن اقتصاد مقاومتی را «استحکام‌بخشیدن به کشور و غیرقابل نفوذ ساختن آن در برابر دشمن» و «مقاوم در ساخت درونی خود، و متلاطم نشدن با تغییرات گوناگون در این گوشه و آن گوشه دنیا» دانستند. همچنین «انتخاب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان سیاست‌های اقتصاد را به‌عنوان یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی مطرح نمودند. در شهریور سال ۱۳۹۲ نیز بر «مقاوم‌بودن در مقابل بحران‌ها و جزر و مدهای بین‌المللی» به‌عنوان محور اقتصاد مقاومتی تأکید کردند.

فقر از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. در بند نخست به لزوم شکل‌گیری سیاست‌ها با تأکید بر «ارتقای درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط» اشاره شده است؛ در بند سوم، «ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی» یکی از اهداف استفاده مناسب از ظرفیت هدفمندسازی یارانه‌ها معرفی شده است؛ همچنین در بند چهارم سیاست‌ها نیز مستقلاً به سهم‌بری عادلانه عوامل تولید تأکید شده است. از جمله برنامه‌های ملی مرتبط با اقتصاد مقاومتی می‌توان به برنامه ملی هدفمندسازی یارانه‌ها و برنامه مردمی کردن اقتصاد اشاره داشت. اما بدون شک مهم‌ترین مورد، برنامه ملی عدالت و توسعه عدالت اجتماعی است که ذیل این برنامه می‌توان طرح‌هایی همچون طرح عدالت منطقه‌ای، طرح عدالت بین نسلی، طرح توانمندسازی فقرا و محرومان و طرح سهم‌بری عادلانه عوامل تولید را مشاهده کرد.

در ادامه روند مزبور نیز آیت‌الله خامنه‌ای در اواخر بهمن سال ۱۳۹۲ نیز به‌صورت جامع و دقیق، سیاست‌های کلان بیست‌و‌چهارگانه «اقتصاد مقاومتی» را ابلاغ نمودند (سیفلو، ۱۳۹۳: ۱۷۰). با توجه به بیانات ایشان و اسناد موجود در مجمع تشخیص مصلحت نظام این سیاست‌ها حول مؤلفه‌های کلیدی زیر استوار شده است؛ بدین معنی که «اقتصاد مقاومتی»:

❖ اقتصادی مردمی است؛ بدین معنی که باید اقتصاد، به سمت اقتصاد تولیدمحور با حضور و نقش فعال و مشارکت حداکثری آحاد جامعه و توسعه همکاری‌های جمعی در فعالیتهای اقتصادی تولید، ثروت گسترش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و تقویت کارآفرینی حرکت نماید؛

❖ اقتصادی دانش‌بنیان است؛ بدین معنی که یافته‌های علمی تجاری‌سازی شده و از دانش ثروت کسب گردد و اتکای اقتصاد به علم و فناوری باشد؛  
❖ اقتصادی با کاهش وابستگی به نفت است؛ به‌طوری‌که اتکای بودجه و درآمدهای دولت به منابع نفت و گاز کاهش‌یافته و جایگزینی با درآمدهای پایدار مالیاتی صادرات غیرنفتی صادرات دانش فنی مالکیت‌های فکری و خدمات باشد.

❖ اقتصادی باثبات و رقابت‌پذیر است؛ بدین معنی که ثبات، شفافیت و انسجام در سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی حاکم باشد و رقابت‌پذیری اقتصاد ملی تقویت‌شده و کنترل عوامل اصلی ثبات اقتصادی در داخل کشور باشد؛

❖ اقتصادی با فضای سالم و شفاف است؛ بدین معنی که شفافیت گردش اطلاعات مالی و اقتصادی حذف رانت انحصار و ویژه‌خواری‌ها به‌ویژه در اطلاعات عمومی و اقتصادی حاکم باشد؛

❖ اقتصادی درون‌زا است؛ بدین معنی که با بهره‌برداری حداکثری و بهره‌وری بالا از ظرفیت‌ها و مزیت‌های درونی اقتصاد، عوامل اصلی ثبات و رشد اقتصادی یا منشأ داخلی داشته و یا در داخل کنترل شوند.

❖ اقتصادی برون‌گراست؛ یعنی بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی و تنوع‌بخشی و توسعه صادرات در بخش‌های مزیت‌دار اجرایی گردد. در چنین اقتصادی با توسعه تعاملات دو و چندجانبه، ارتباطات منطقه‌ای و جهانی و حضور فعال و مؤثر در مجامع جهانی از فرصت‌ها و ظرفیت‌های منطقه بهره‌برداری حداکثری شود.

❖ اقتصادی عدالت‌بنیان است؛ به‌طوری‌که ارتقای عدالت اجتماعی با اتخاذ سیاست‌های فقرزدایی برابرسازی فرصت‌های اقتصادی و آموزشی برای عموم مردم، توزیع عادلانه مواهب نفتی در جامعه بهبود توزیع درآمدی سازماندهی و بازمهندسی تأمین اجتماعی در کشور و حمایت همه‌جانبه و کارآمد از کم‌درآمدها دنبال گردد (شقاقی شهری، ۱۳۹۸: ۶۲).

در سطح مدیریت مسائل اقتصادی در استان‌ها اسناد بالادستی در کنار تلاش‌های مبتنی بر مدیریت جهادی و مردمی کردن اقتصاد از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این اسناد به دلیل دارا بودن عصاره تفکرات نخبگان سراسر کشور و تأیید مراجع عالی نظام اسلامی از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار هستند. این اسناد همواره براساس شرایط و مقتضیات اقتصادی در سطح منطقه‌ای و جهانی و بر اساس مبانی ملی و اسلامی طراحی و تدوین شده‌اند و به دولت ابلاغ شده‌اند. نحوه اجرا و کاربست اسناد مذکور توسط نخبگان و مدیران میانی و استانی به‌عنوان خطوط راهنمای تفکران کلان ملی در دستور کار قرار می‌گیرند.

محافل سیاسی و اجتماعی و در میان نظریه‌پردازان مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی حکمرانی مطلوب تغییرات آن در پرتو زمان و طرح نظریات جدیدی برای اداره جامعه است که در واقع به‌عنوان ایده‌ای مبتنی بر شناسایی چالش‌های دوران معاصر و همچنین ارائه راه‌حل برای آنان است حکمرانی مطلوب نوعی سیاست‌گذاری برای اداره جامعه است که البته در میان مکاتب سیاسی و ایدئولوژی‌های مختلف دارای تفاوت‌های قابل‌توجهی است. ازجمله اینکه در آموزه‌های اسلامی نوعی عمل بر مبنای شریعت در نظر گرفته می‌شود که ضمن توجه به اصول کلی شریعت، تغییرات و تحولات زمانه را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین حکمرانی مطلوب اسلامی در اصل وسیله‌ای برای سعادت دنیوی و اخروی

انسان و عمل بر مبنای احکام و آموزه‌های اسلامی است. در اسناد بالادستی مانند چشم‌انداز ۲۰ ساله، قانون برنامه توسعه ششم و قانون اساسی بر هدف‌گذاری و نوع مطلوب حکمرانی اقتصادی تأکید شده است. در قانون اساسی بند ۹ اصل ۳ دولت را موظف به رفع تبعیض کرده است. اصل ۴۸ قانون اساسی دولت را موظف کرده است در استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها تبعیض به کار نگیرد و در اصل ۱۰۱ قانون اساسی یکی از اهداف تشکیل شوراهای عالی استان را جلوگیری از تبعیض دانسته است. در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه مورد توجه قرار گرفته است و در ماده ۴۳ به موضوع فقر پرداخته شده و برای ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای اساسی افراد در کنار تأمین استقلال اقتصادی اهدافی مشخص شده و برای دستیابی به آن‌ها ضوابط اقتصادی برنامه‌ریزی شده است.

در برنامه ششم توسعه نیز همچون سایر اسناد بالادستی، فقر و نابرابری حائز اهمیت است. در کنار هدف‌گذاری رشد متوسط ۸ درصد در سال، در طول برنامه ششم توسعه دستیابی به ضریب جینی ۳۴/۰ در سال پایانی برنامه از جمله اهداف اصلی برنامه ششم توسعه است. به جز این هدف اصلی، در زمره اهداف فرعی برنامه ششم توسعه نیز می‌توان بهبود شاخص‌های فقر از جمله بهبود شاخص‌های فقر چندبُعدی را مشاهده کرد. در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه نیز بر توانمندسازی و خوداتکایی اقشار و گروه‌های محروم در برنامه‌های مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی صراحتاً تأکید شده است.

در قانون برنامه ششم توسعه در ماده ۲، توانمندسازی محرومان و فقرا با اولویت زنان سرپرست خانوار مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین بخش پنجم قانون برنامه ششم توسعه با عنوان توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی فقرا بیشترین توجه را به موضوع فقر دارد. اختصاص دو درصد از درآمد حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی به شهرستان‌ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته جهت اجرای برنامه‌های

عمرانی از جمله احکامی است که می‌توان برای مقابله با فقر توانمندسازی و حمایت اقشار ساکن در مناطق محروم مشاهده کرد.

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف اقتصادی مهم رفع فقر، فساد و تبعیض از جامعه قرار داده شده است (عزتی، ۱۳۹۲: ۷۸). در این سند دست‌یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از بندهای هشت‌گانه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ تماماً به موضوع فقر و توزیع درآمد معطوف است که ویژگی‌ای که برای ایران در افق چشم‌انداز بیان کرده کشور بر خوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر توزیع مناسب درآمد نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب است.

حکمرانی اقتصادی و هدف‌گذاری‌های مرتبط با آن در اسناد بالادستی با محوریت مقابله با تبعیض‌های اقتصادی، کاهش فقر و توسعه اقتصادی آمده است. مفهوم توسعه طی دهه‌های اخیر از انحصار دیدگاه‌های رشد محور خارج شده و دیدگاه نوین عدالت اجتماعی و اقتصادی تعادل و توازن و خودکفایی به مفهوم توسعه پیوند زده شده است. نظریه‌پردازان رشد و توسعه تأکید می‌کنند که می‌باید توسعه و رشد مناطق به صورت متوازن و در سرتاسر اجتماع صورت گیرد تا مناطق از توزیع عادلانه برخوردار گردند (مصطفوی و نعمتی، ۱۳۹۸). برنامه‌ریزی توسعه در ایران از گذشته مورد توجه بوده است. اما همچنان از منظر توسعه متوازن و توجه به مسئله عدالت منطقه‌ای پیشرفت چندانی نداشته است.

در حکمرانی اقتصادی و در سطح مناطق و استان‌ها جهت اصلی مدیریت مسائل اقتصادی استان‌ها را اسناد بالادستی که بر جهت‌گیری‌های اساسی اقتصادی در ابعادی کمی و کیفی تأکید دارند مشخص کرده‌اند. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۲ سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ به‌عنوان نقشه راه برنامه‌های توسعه کشور توسط مجمع تشخیص تصویب و بعد از تأیید آیت‌الله خامنه‌ای به قوای سه‌گانه برای اجرا از سال

۱۳۸۴ ابلاغ شد. از آنجایی که خصوصی‌سازی شرکت‌ها و اموال دولتی به همراه توجه به عدالت اجتماعی در راستای سند چشم‌انداز از مطالبات آیت‌الله خامنه‌ای بود در خرداد ۱۳۸۴ نیز سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط ایشان برای تحول ساختاری در اقتصاد کشور با تأکید بر تقویت بخش خصوصی و تعاونی و همچنین کاهش تصدی‌گری دولت به منظور تحقق عدالت اجتماعی ابلاغ شد. محورهای اصلی این سیاست‌ها عبارت‌اند از: شتاب‌بخشیدن به رشد اقتصاد ملی؛ گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی؛ ارتقای کارآیی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری در منابع مادی و انسانی و فناوری؛ افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی؛ افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی؛ کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی‌فعالیت‌های اقتصادی؛ افزایش سطح عمومی اشتغال؛ تشویق افشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها (هزاوی، ۱۳۹۳: ۱۹).

#### ۴. الگوی مفهومی حکمرانی اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای

نقد تفکر غرب در حوزه حکمرانی و مدیریت اقتصادی ذیل نقد نظام سرمایه‌داری توسط محققان و نخبگان سیاسی و اقتصادی غربی و غیرغربی انجام شده است. الگوی حکمرانی اقتصادی غربی به‌عنوان ابزار، توسعه چند مشکل اساسی دارد: اولاً، حکمرانی خوب از نظر هستی‌شناسی معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. ثانیاً، از نظر انسان‌شناسی، معتقد به اومانیسیم است و همه‌چیز را در محور انسان - نه خدا - ارزیابی می‌کند. ثالثاً، از نظر معرفت‌شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد قابل شناخت است، بنابراین به دیگر عوامل معرفت‌توجهی ندارد. رابعاً از نظر روش‌شناسی روش را منحصر به روش تجربی می‌داند و روش وحیانی را که به تجربه در نمی‌آید انکار می‌کند (حسینی‌تاش و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای: غرب کوشیده است «پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی

دست‌بزند تا عملیات تروریسم ضد مردمی را به‌جای شهادت‌طلبی، تعصب و تحجر و خشونت را به‌جای اسلام‌گرانی و جهاد، قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی را به‌جای اسلام‌خواهی، غرب‌زدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی را به‌جای پیشرفت مستقل، سکولاریسم را به‌جای علم‌گرایی، سازش‌کاری را به‌جای عقلانیت، فساد و هرج‌ومرج اخلاقی را به‌جای آزادی، دیکتاتوری را به نام نظم و امنیت مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافی‌گری را به نام توسعه و ترقی و فقر و عقب‌ماندگی را به نام معنویت‌گرایی و زهد قلمداد کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی خوب به‌عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب وارد شده، آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارد که الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین‌رفته‌اند. ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی آن را برای کشورهای درحال توسعه و به‌ویژه کشورهای اسلامی مناسب ندانسته بر این باورند که علت به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی اخلاق و معنویت می‌تواند قربانی پیشرفت مادی شود.

آیت‌الله خامنه‌ای با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی و حکمرانی شایسته بر حکمرانی خوب می‌فرماید اسلام هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بُعد معنوی و متعالی انسان و هر یک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند. در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست؛ بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است که در جهان‌بینی اسلامی ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت حکومت حق روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸). در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای راه رسیدن به اصول حکمرانی مطلوب بر سه پایه استوار است. رسیدن به موارد ذیل آرمانی‌ترین مسئله در امر حکمرانی محسوب می‌شود و این همان چیزی است که ایشان در بیانیه گام دوم به آن اشاره می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای تأکیدات متعددی بر این مؤلفه‌ها داشته‌اند و به‌طور مکرر مسئولان

و سیاست‌گذاران نظام اسلامی را به رعایت این اصول و موازین فرامی‌خوانند. هرچند علاوه بر اصول یادشده مؤلفه‌های دیگری نیز در بیانات ایشان پیرامون الگوی حکمرانی شایسته قابل استخراج است که ریشه در نگرش فقهی اسلامی ایشان دارد. در دیدگاه ایشان مسئله اصلی در مطلوبیت یک حکومت ماهیت و محتوای آن است که گاه از آن به نوع حکومت تعبیر می‌گردد؛ ولی شکل حکومت تابع مقتضیات زمان و مکان است و لذا حکمرانی مطلوب نوعی سیاست‌گذاری برای اداره جامعه بوده که البته در میان مکاتب سیاسی و ایدئولوژی‌های مختلف دارای تفاوت‌های قابل توجهی است. از جمله اینکه در آموزه‌های اسلامی نوعی عمل بر مبنای شریعت در نظر گرفته می‌شود که ضمن توجه به اصول کلی شریعت، تغییرات و تحولات زمانه را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین حکمرانی مطلوب اسلامی در اصل وسیله‌ای برای سعادت دنیوی و اخروی انسان و عمل بر مبنای احکام و آموزه‌های اسلامی است.

آیت‌الله خامنه‌ای، شاخص‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی را این‌گونه تبیین می‌کنند که عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد و سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه تحقق این امر با حصول شرایط زیر امکان‌پذیر است: ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خردگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل وسعت نظر سعه‌صدر و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)، شجاعت و قاطعیت در بیان و عملی که حق است، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا و تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی همچنین شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها، قانون‌گرایی، بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی شامل پرهیز از تصدی‌گری، تمرکززدایی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸).

در دوره تحریم‌ها اقتصاد مقاومتی که به‌عنوان یکی از ایده‌های تأثیرگذار در سال‌های اخیر توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است بخش مهمی از ایده اقتصاد اسلامی و شناسایی مشکلات اقتصادی و ارائه راه‌حل برای آنان در نظر گرفته می‌شود. اقتصاد مقاومتی از این جهت که با ابتننا بر احکام شریعت بیان‌شده پشتوانه‌ای برای حکمرانی مطلوب اسلامی در نظر گرفته می‌شود. آنچه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

در زمینه اقتصاد بیان شده است با عنوان «اقتصاد مقاومتی» بیان می‌شود که به معنی تکیه بر توانایی‌های داخلی و تعامل سازنده خارجی در عرصه مدیریت اقتصاد کشور است. اقتصاد مقاومتی به دلیل آنکه وابستگی سیاسی، اقتصادی فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی را به حداقل می‌رساند می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی جامعه مطلوب اسلامی گردد.

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با بحث اقتصاد مقاومتی، «تاب‌آوری اقتصادی» است. تاب‌آوری اقتصادی در واقع به معنای توانایی سیستم در مواقع بحرانی برای حفظ کارکرد خود بر مبنای نبوغ یا تلاش بیشتر است (Rose, 2007). به عبارتی دیگر در تاب‌آوری اقتصادی این موضوع مدنظر است که سیستم اقتصادی کشور در مواقع بحرانی و فشارهای اقتصادی تا چه اندازه می‌تواند تاب‌آوری و مقاومت داشته باشد و از گسترش بحران به سایر حوزه‌ها جلوگیری نماید. بدین معنا، اگر اقتصاد و یا آحاد مردم در آن جامعه توانستند در برابر مشکلات و بحران‌ها دوام بیاورند می‌توان گفت جامعه تاب‌آوری لازم را دارد؛ در غیر این صورت از تاب‌آوری کم و یا از عدم تاب‌آوری آن جامعه سخن گفته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های حکمرانی اقتصادی با محوریت اقتصاد مقاومتی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مردمی بودن و محوریت مردم در تمامی شئون آن است. منطق حکمرانی در اسلام در تمامی لایه‌ها از وجه اشتراک خاصی برخوردار است که در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای عبارت‌اند از «حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی‌های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست جمهوری‌های امروز دنیا است، نه شبیه فرماندهی‌ها است، نه شبیه رؤسای کودتاگر است؛ شبیه هیچ کدام از این‌ها نیست؛ یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، آشرافی نبودن، مسرف نبودن، ظالم نبودن؛ نه ظالم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

یکی دیگر از اصول حکمرانی اقتصادی در شرایط تحریم، توجه به وضعیت معیشتی مردم است. در این اصل تقویت وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم از جمله امنیت غذایی و درآمدهای بالا در اولویت قرار دارد. «ما باید کاری کنیم که مردم بتوانند، همه کسانی که نیرو دارند، توان کار دارند، در به‌اصطلاح محدوده کارکردن

هستند، بتوانند یک کاری انجام بدهند که به زندگی‌شان کمک کند، معیشتشان را بهتر کند و به تعبیر رایج، سفره آن‌ها را رنگین‌تر بکند، که بند اول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم ناظر به همین است. تمهیداتی را باید انجام بدهید تا طبقات کم‌درآمد به این وسیله درآمدها بالا بروند. آن وقت توانمندسازی طبقات ضعیف به این شکل انجام خواهد گرفت؛ یعنی نقشه راه کاملی در این زمینه به وجود بیاید، و می‌تواند به وجود بیاید؛ یعنی سازمان برنامه و امثال این تشکیلات در دولت، می‌توانند بنشینند و طراحی کنند و مشخص کنند که آحاد مردم و قشرهای ضعیف مردم، چگونه می‌توانند در فعالیتهای اقتصادی همکاری کنند. بهترین راه عدالت‌بنیان کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسئله عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است *لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ* [تأکید می‌کنیم،] عدالت‌بنیان کردن از این راه به وجود خواهد آمد که بتوانیم امکان کار کردن و درآمد کسب کردن را برای همه مردم فراهم کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱/۱۵).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای تولید ثروت و رفع محرومیت می‌تواند اساس حکمرانی اقتصادی تلقی شود به شرطی که این امر توأمان با التزام به مبانی اسلامی باشد. «ما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیاورید؛ باید این دو تا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال و ایراد دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

در شرایط تحریم‌های یک‌جانبه غرب، بحث حکمرانی اقتصادی ذیل اقتصاد مقاومتی می‌باید بر اساس برخورد با موانع تحریمی و پیشبرد منافع اقتصادی کشور باشد. حکمرانی اقتصادی مدنظر آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به تحریم‌های موجود همواره در جهت تأمین منافع مادی و اقتصادی کشور به مدیریت مسائل می‌پردازد. به نظر ایشان «البته موانعی هست؛ این موانع را باید در نظر داشته باشیم. بعضی از موانع بیرونی است؛ مثل همین تحریم‌ها، تهدیدها، محدودیت‌های فراوانی که وجود دارد، سخت‌گیری‌هایی که در کار تجارت ما، در به دست آوردن امکانات لازم برای تولید ما [هست]؛ سخت‌گیری هست دیگر، سخت‌گیری‌های جدی وجود دارد. من یک وقتی گفتم که یک تشکیلات ویژه‌ای ایجاد می‌کنند برای اینکه مراقبت کند که ایران در کجا می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند، با کجا دارد معامله می‌کند که بروند جلویش را بگیرند؛ یعنی چند سال است که یک چنین کارهایی دارد انجام می‌گیرد. این موانع وجود دارد. البته همین موانع را، هم می‌شود کم کرد، هم می‌شود کم‌اثر کرد؛ بعضی از همین موانع، در کنار تأثیرات منفی، تأثیرات مثبت هم داشته‌اند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۱/۱۵).

راهبرد درست و کارآمد برخورد با تحریم‌ها در حکمرانی اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی علاوه بر رفع تحریم‌ها، مقابله با حریم‌ها نیز می‌باشد. ضربه‌ناپذیر شدن اقتصاد کشور در برابر تحریم‌ها مهم‌ترین بعد اقتصاد مقاومتی در حکمرانی اقتصادی جهت پیگیری تجارت خارجی است. در این چهارچوب، آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارند: «اقتصاد کشور را با مسئله تحریم‌های آمریکا یا امثال این‌ها گره نزنند؛ نگویند تا تحریم هست همین است؛ نه، با وجود تحریم آمریکایی‌ها هم می‌شود در زمینه اقتصاد پیشرفت کرد. خوشبختانه سیاست‌های جدیدی که در کشور وجود دارد، نشان داد که این حرف درست است و همین کار را کردند؛ با وجود تحریم‌های آمریکایی، هم می‌شود تجارت خارجی را رونق داد و افزایش داد که افزایش پیدا کرد، هم می‌شود وارد قراردادهای منطقه‌ای شد که بحمدالله دولت توانست و وارد شد، هم می‌شود در قضیه نفت و برخی دیگر از مسائل اقتصادی به پیشرفت‌ها و ارتقاهایی دست پیدا کرد، به وضعیت بهتری رسید که بحمدالله این‌ها اتفاق افتاده، باینکه تحریم آمریکا هم سر جایش هست. البته بنده به‌هیچ‌وجه

نمی‌گویم که دنبال رفع تحریم نباشیم؛ نه، بارها هم گفته‌ایم کسانی که دارند تلاش می‌کنند و کار می‌کنند در این زمینه، اشکالی ندارد، دنبال کنند؛ لکن اساس قضیه این است که جوری حرکت کنیم، کشور را جوری اداره کنیم که تحریم‌ها نتواند ضربه اساسی و مهمی به آن بزند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱/۱/۱۴۰۱).

## نتیجه‌گیری

حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران در سطوح ملی و استانی بر مبنای احیای ارزش‌های انسانی است. شرط علی در حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران نقش کرامت است. بر اساس تعریف کرامت یعنی حراست از حقوق، انسانی، آزادی‌های مدنی و منزلت اجتماعی بر اساس این الگوی حاکمیتی، جمهوری اسلامی باید به‌عنوان شرط اساسی به دنبال کرامت انسانی آحاد مردم بوده و با حفظ و حراست از آزادی‌های مشروع و همچنین مالکیت و استیفای حقوق فردی زمینه را برای نقش‌آفرینی مردم در اداره کشور تأمین نماید. این ارزش‌نهادن به انسان پیشران کلیه نقش‌های حاکمیتی است و به کیفیت ایفای سایر نقش‌ها جهت می‌دهد. پدیده‌محوری در الگوی حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران نقش مردم‌محور بودن است می‌توان گفت نقطه افتراق نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی با سایر نظامات حکمرانی همین نقش است. البته برخی از شقوق این نقش، از جمله افزایش آگاهی‌های عمومی ارتقای سطح سواد جامعه و افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی ممکن است در سایر الگوها نیز وجود داشته باشد. حفظ و ارتقای معرفت دینی و انقلابی تحکیم خانواده و ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، تقویت روحیه جهادی ایثار و شهادت‌طلبی بسترسازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با تهاجم فرهنگی را می‌توان جزء این دسته از کارکردهای حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی در نظر گرفت.

حکمرانی شایسته عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری توسط خداوند یا انبیا، اولیا، و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به‌منظور نیل افراد و جامعه به رفاه آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی حکمرانی شایسته از بُعد هستی‌شناسی که هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته و سایر موجودات را تجلیات او و نشئت‌گرفته از او می‌داند. از بُعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند، بلکه

معرفت‌های عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بُعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی می‌داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است و برای بُعد معنوی نیز اهمیت قائل می‌شود از بُعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند نگاه‌های متفاوت به هستی انسان معرفت و روش موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد شد.

به عبارت دیگر در حکمرانی شایسته هرچند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد. بنابراین، حکمرانی شایسته مبتنی بر جهان‌بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می‌نماید؛ یعنی حکمرانان باید دستورات را از مبدأ هستی‌بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند به بیان دیگر آنان باید از زندگی دنیوی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند با توجه به مبانی نظری، گاهی حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب در برخی شاخص‌ها - مثلاً پاسخگویی - اشتراک دارد، ولی این شاخص‌ها از نظر محتوا متفاوت است؛ زیرا مبانی نظری آن‌ها تفاوت دارند.

در حکمرانی اقتصادی غربی مؤلفه‌های سازنده مختلفی وجود داشته است که برخی از آن‌ها توسط فیلسوفان مکاتب مادی‌گرا ذکر شده است. فیلسوف علم سیاسی پوتنام می‌گوید ارتباط مردمی‌سازی و خصوصی‌سازی در حکمرانی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب منافع متقابل را تسهیل می‌کند. او بیان می‌کند مردمی‌سازی منافع سرمایه‌گذاری درزمینه سرمایه فیزیکی و خصوصی‌سازی را افزایش می‌دهد. مردمی‌سازی نهاد واحدی نیست بلکه مجموعه‌ای از نهادهای گوناگون است که دو عنصر مشترک دارند. اولاً همه آن‌ها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی هستند. ثانیاً کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. مردمی‌سازی مانند سایر اشکال سرمایه مولد است. یعنی

تحقق اهداف معینی را که در نبود آن محقق نمی‌شوند امکان‌پذیر می‌گرداند. مردمی‌سازی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً قابل جابه‌جایی نیست؛ یعنی نوع خاصی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی سودمند است. علی‌رغم بحث در نظر گرفتن بخش خصوصی در حکمرانی اقتصادی غربی انتقادات متنوعی به این سبک از حکمرانی وارد شده است.

حکمرانی غربی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای با مشکلات عدیده‌ای مواجه است از جمله گسترش و افزایش شکاف‌های طبقاتی و فقر فزاینده طبقات، شنی‌شدن روابط انسانی که به از خودبیگانگی انسان انجامیده‌اند دستگاه‌های دولتی شرکت‌های بزرگ و احزاب توده‌ای قفس‌های آهنینی به شمار می‌روند که آرمان‌های آزادی و برابری را محدود می‌کنند. تنوع‌گرایی و لذت‌طلبی و نسبی‌گرایی اخلاق موجب شیوع بسیاری از بیماری‌ها، استعمال مواد مخدر، تحلیل روابط عاطفی و سست‌شدن بنیان خانواده در این‌گونه جوامع است. ایشان تمدن غرب را با وجود پیشرفت‌های فراوان مادی آن، نبود معنویت و آرمان‌های الهی دانسته و تأکید دارند که انحراف‌های گوناگون، فکری عملی و اخلاقی، متلاشی‌شدن بنیان خانواده خشونت روزافزون فساد اخلاقی و خودکشی‌ها در جوامع غربی به‌ویژه آمریکا ناشی از همین موضوع است دیدگاه برخی از متفکرین و اندیشمندان آمریکایی صراحتاً به این شکاف‌ها و آسیب‌ها و نبود حکمرانی اقتصادی مدنظر آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به وضعیت تحریم‌های غرب بر مبنای اقتصاد مقاومتی که در آن رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اقتصادی کشور و طبقات محروم قرار دارد خلاصه می‌شود.

## فهرست منابع

## الف: منابع فارسی

- اخترشهر، علی (۱۴۰۱). اصول و روش حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکردی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۱۰، شماره ۳۷.
- امامزاده‌فرد، پرویز (۱۳۹۰). جایگاه و نقش حقوق در حکمرانی مطلوب، فصلنامه حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۱.
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹.  
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=49759>
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3377>
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۲/۱/۱۵.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52389>
- آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۳/۱/۱۵.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=55950>
- آیت‌الله خامنه‌ای، سخنرانی نوروزی خطاب به مردم ایران، ۱۴۰۱/۱/۱.  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49886>
- جاسبی، جواد (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۴، شماره ۱۶.
- جرفی، عبدالامیر؛ مجید، حسن موسوی (۱۳۹۹). جایگاه اقتصاد مقاومتی در حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۴، شماره ۵۱.
- حسینی‌تاج، علی و همکاران (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی شاخص‌های این دوازده دیدگاه امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup>، اسلام و پژوهش مدیریتی، شماره ۸.
- خدامرادی، طیبه؛ حسین‌زاده، مهناز (۱۴۰۰). بررسی ساختار حکمرانی توسعه پایدار مناطق محروم ایران با استفاده از تحلیل شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۳.

- سیفلو، سجاد (۱۳۹۳). *مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی*، معرفت اقتصاد اسلامی، سال ۵، شماره دوم، پیاپی ۱۰.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۲). *تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در ایران*، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۱، شماره ۳، پاییز.
- کینگول، مارک (۱۳۸۶). *مایکل والزر: تکثرگرایی عدالت و دموکراسی*، در کتاب: دموکراسی لیبرال و منتقدان آن، ویراسته اپریل کارتر و جفری استوکس، ترجمه حمیدرضا رحمانی زاده دهکردی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مقصودی، حمیدرضا (۱۳۹۶). *استخراج شاخصه‌های نظریه در اقتصاد متعارف و ارزیابی این شاخصه‌ها مبتنی بر آرای شهید سید محمدباقر صدر*، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- میرمعزی، حسین (۱۳۹۴). *فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی*، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۵، دوره ۵۹.
- ناضمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). *حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی*، علوم انسانی، شماره ۷۶.
- والزر، مایکل (۱۳۸۹). *فربه و نحیف: خاستگاه هنجارهای اخلاقی*، ترجمه: صادق حقیقت و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- هتنه، بزور (۱۳۸۱). *تئوری توسعه و سه جهان*، ترجمه: احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
- هزاوئی، مرتضی (۱۳۹۳). *اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۷.

### ب: منابع انگلیسی

- Acemoglu, D. (2008), Interactions between governance and growth, The World Bank (ed.) Governance, Growth, and Development Decision-making, The World Bank. Washington.
- Nozick, Robert (1974), anarchy, state and utopia, basil Blackwell, oxford.
- Rose, A. (2007), "Economic Resilience to Natural and Man-made Disaster: Multidisciplinary Origins and Contextual Dimensions", Environmental Hazard, 7.